

اعلامیه حزب حکمتیست

کلیه زندانیان سیاسی بی قید و بی وثیقه آزاد باید
گردند!

صفحه ۳

متن مصاحبه ناصر مرادی دبیر کمیته مرکزی با برنامه
پاسخ در رابطه با حمله اسرائیل به غزه و تحولات منطقه

صفحه ۴

دو نوشته از منصور

همسوئی با کدام طرف؟ ایران یا آمریکا؟
تحریم تجاری ایران

صفحه ۵

سرمایه داری و آزادی سیاسی

صفحه ۶

سیاوش دانشور

از میان رویدادهای هفته

علی جوادی

صفحه ۷

"مذاکره نکنید چون دشمن دیگته می کند"
نگاهی به صحبت‌های اول مهر علی خامنه ایی

صفحه ۹

وریا روشنفکر

صدای فاشیسم در مقر سازمان ملل

صفحه ۱۰

امیر عسکری

گزارش تجمعات خارج کشور

در گرامیداشت سومین سال خیزش انقلابی ۱۴۰۱ بعد از قتل عمد
دولتی مهسا (ژینا) امینی

صفحه ۱۱

اخبار مبارزات کارگری و جنبشهای اجتماعی

تهیه و تنظیم حیات الماسی و اوین رضایی

صفحه ۱۲

۸۲۱

مفکری
کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۴ مهر ۱۴۰۴ - ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۵

فاشیسم عربی و گانگستریسم در

سازمان ملل

رحمان حسین زاده

وارونگی نظم سرمایه داری از همه خط
قرمزهای معمول تعریف شده در چهارچوب
همان نظم ستمگر هم عبور کرده است. هشتاد
سال قبل با پایان جنگ جهانی دوم سازمان ملل
تأسیس شد. به عبارت دیگر تأسیس این نهاد
محصول شکست فاشیسم در جنگ جهانی دوم
بود. اکنون طنز مسئله اینست، سالها است که
تربیان سازمان ملل به محل اشاعه افکار و
سیاستهای فاشیستی و راسیستی تبدیل شده
است. سخنرانی یکساعته سه روز قبل ترامپ،
مظهر فاشیسم امروز دنیا در هشتادمین سالگرد
سازمان ملل قبل از هر چیز مایه ننگ این
مؤسسه جهانی است. ترامپ از پشت تربیون
سازمان ملل با صراحت کامل علیه میلیونها
انسان مهاجر و پناهنده شمشیر کشید. علیه
حقوق اولیه آنها صحبت کرد. در همین رابطه
دولتهای اروپایی را سرزنش نمود. عملکرد
تماماً ضد انسانی دولت راسیست خود را در
اذیت و آزار و بیرون راندن مهاجران و
پناهندگان سالها مشغول به کار و زندگی در
آمریکا و کودکان متولد شده و بزرگ شده در
آنجا را به "رخ" کشید. بریستر عقب گرد
بزرگ تحمیل شده بر بشریت، بدون کمترین
واهمه بر راسیسم و نفرت پراکنی علیه
انسانهای بیشمار تأکید کرد. در سطح عمومی
و بدون روتوش تعصبات کورملی و
ناسیونالیستی را دامن زد. پیشرفته اندک
فعالتهای بسیار ناچیز مقابله با تخریب محیط
زیست را به باد استهزاء گرفت. البته به این
سطح از افسارگسیختگی اولین هیئت حاکمه
کاپیتالیستی دنیا بسنده نکرد. بار دیگر و تمام قد
مهر همراهی و همکاری و تأیید دولت آمریکا
را بر هولوکاست ننگین جاری در فلسطین و
نسل کشی در غزه زد. در شرایطی

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

فاشیسم عریان و گانگستریسم در سازمان

ملل...



که حکومت تحت مسئولیت او مظهر گسترش تروریسم دولتی و هوایی در خاورمیانه و جهان است، طبق قانون جنگل "صلح از طریق قدرت" ریاکارانه از پایان دادن به "هفت جنگ" صحبت کرد. تازه قرار است روز جمعه همپالگیش، منفورترین عنصر فاشیست این دوره "نتانیاهاو" قاتل نزدیک به هفتاد هزار انسان در غزه و

سردمدار تروریسم در خاورمیانه از همین تریبون کذابی در باب فتوحات خود لفاظی کند. ترامپ زبان تهدید و تحقیر را علیه رقیبان و مخالفان حکومتی و غیر حکومتی بکارگرفت. از ظرفیت مخرب قلدری میلیتاریستی و گانگستریستی آمریکا صحبت کرد. و اما جان کلام صحبت‌های ترامپ آنجا است که این واقعیت را پرده پوشی نمیکند، که اتخاذ سیاست‌های راسیستی و فاشیستی و میلیتاریستی دولت آمریکا در خدمت سودورزی بیحد و مرز و نجومی سرمایه و لازمه متحقق کردن ایده "اول آمریکا" است. اجزای مختلف سیاست‌های دست راستی و ضد انسانی دولت ترامپ اتفاقاً با محوریت "جنگ تعرفه‌ها" لازمه افزایش قدرت کاپیتالیستی و امپریالیستی و هژمونی طلبی جهانی آمریکا است. لازمه رقابت و جدال با قطب‌های سرمایه داری رقیب و در رأس آنها چین بر سر سهم بردن بیشتر از انباشت سرمایه حاصل کار طبقه کارگر و مزدگیران به قیمت تحمیل ناامنی و تباهی و جنگ بر بشریت است. بر همین اساس تعیین تکلیف قطعی و ریشه ای با فاشیسم عروج کرده این دوران از درون جدال‌های سیاسی و نظامی قطب‌های کاپیتالیستی حاصل نمیشود، بلکه کار طبقه کارگر خود آگاه و سازمانیافته متکی به افق و سیاست و تشکل و تحزب سوسیالیستی است. راه میان بری وجود ندارد.



همبستگی با مبارزات مردم ایران، کارزار علیه اعدام در ایران - لندن، شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست - لندن

متن مصاحبه ناصر مرادی دبیر کمیته مرکزی با برنامه پاسخ در رابطه با حمله اسرائیل به غزه و تحولات منطقه...

ادامه از صفحه ۴

۱۲ روزه و دخالت برای آتش‌بس - آن هم به دلیل ته کشیدن انبار موشک‌های "پاتریوت" و "گنبد آهنین" در تدارک ایجاد بزرگترین پایگاه برای انبار سامانه‌های ضد هوایی و تسلیحات و تجهیزات لجستیک در بندربنع عربستان است تا پشتیبان اسرائیل در حملات احتمالی بعدی باشد.

سؤال: پس به نظر شما احتمال درگیری مجدد اسرائیل و ایران وجود دارد؟ و آیا اقدامات نظامی ایران می‌تواند پایگاه مردمی در جهان عرب برایش ایجاد کند؟

ناصر مرادی: امکان درگیری بستگی به رفتار خود جمهوری اسلامی دارد. اگر مسیر تسلیم در برابر خواست‌های آمریکا، کشورهای اروپایی و اژانس اتمی را ادامه دهد، شاید از جنگ جلوگیری شود. اما اگر مقاومت کند، بازگشت تحریم‌های سازمان ملل و احتمال حمله نظامی هم منتفی نیست.

در مورد بخش دوم سؤال: در جنگ ۱۲ روزه، ایران بیش از ۴۴۵ موشک به سمت اسرائیل شلیک کرد و برخی اهداف حساس را هم زد. این اقدام باعث شد مردم منطقه، از سر نفرت نسبت به رژیم اسرائیل و نسل‌کشی مردم غزه، از ضربه خوردن اسرائیل خوشحال شوند. اما این به معنای حمایت از جمهوری اسلامی نیست. مردم منطقه می‌دانند رژیمی که در ایران اعدام و سرکوب می‌کند، هیچ مشروعیتی ندارد. بنابراین ایران نمی‌تواند پایگاه واقعی مردمی در جهان عرب و منطقه کسب کند. مردم دخالت‌های نظامی جمهوری اسلامی از طریق سپاه پاسداران و سپاه قدس در عراق، لبنان و جنایتی که در سوریه انجام داد را فراموش نکرده‌اند.

سؤال: این روزها همزمان با این جنگ، سومین سالگرد خیزش انقلابی ۱۴۰۱ را پیش رو داریم. شما به‌عنوان دبیر کمیته مرکزی حزب حکمتیست چه پیامی برای مردم دارید؟

ناصر مرادی: سالگرد خیزش ۱۴۰۱ و قتل حکومتی ژینا امینی و دستگیری و اعدام ده ها جوان دیگر در جریان تظاهرات‌های خیابانی، یادآور جنبش عظیم توده ای بویژه خروش زنان آزاده و جنبش آزادی زن علیه سلطه سرکوب و استبداد، علیه حجاب اسلامی و برای آزادی بود. در سالگرد این خیزش انقلابی مردم آزادی‌خواه ایران، طبقه کارگر، زنان آزاده و نسل جوان باید با درس گرفتن از تجربه خیزش‌های ۹۶، ۹۸ و ۱۴۰۱ همبستگی، سازماندهی و مبارزه مداوم، علیه رژیم جنایتکار، خود را برای قیام سراسری اینبار برای به زیرکشیدن رژیم اسلامی آماده کنند. مردم در ایران با علم به اینکه جمهوری اسلامی از کشتار و اعدام دست برنمی‌دارد، هم زمان که علیه تهدیدهای خارجی آماده می‌شود، چند برابر بیشتر علیه اعتراضات داخلی آماده سرکوب است. تنها راه رهایی، سرنوشتی این رژیم است. مردم باید نیروی خشم و مقاومت خود را برای این هدف انباشته کنند.

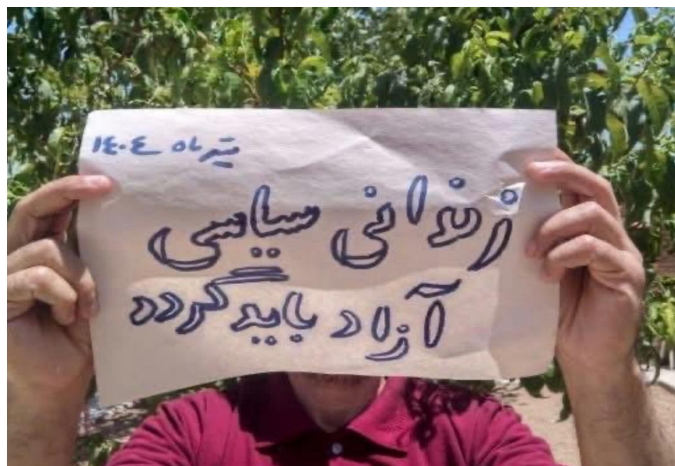
زنده باد شوراها!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

شکستن درب زندانها، گسترش مبارزه انقلابی و حمایت از زندانیان سیاسی، تنها ضامن حفظ جان عزیزان و اسرای ماست.

مرگ بر جمهوری اسلامی!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
۲ مهر ۱۴۰۴ - ۲۴ سپتامبر ۲۰۲۵



سرمایه داری و آزادی سیاسی...

ادامه از صفحه ۶

توقع آزادی از جریانات و نیروهائی که بنیادهای اختناق و ارتجاع و نابرابری را پاسداری میکنند یک خودکشی سیاسی است.

مسئله آزادی در ایران به پیروزی کمونیسم و انقلاب کارگری گره خورده است. تنها کمونیسم و کارگر میتواند با نفی نابرابری بنیادی جامعه طبقاتی، بطور عینی جامعه ای برپا کند که آزادی و شکوفائی هر فرد شرط آزادی و شکوفائی همگان باشد.

سپتامبر ۲۰۲۵

اسلام و اسلام زدایی

منصور حکمت ژانویه ۱۹۹۹

فرد در اسلام، چه راستین و چه غیرازآن، بی حقوق و بی حرمت است. زن در اسلام برده است. کودک در اسلام در ردیف احشام است. عقیده آزاد در اسلام معصیت و مستوجب عقوبت است. موسیقی فساد است. سکس، بدون جواز و بدون داغ مذهب برکپل مرتکبش گناه کبیره است. این دین مرگ و خون و عبودیت است.

اعلامیه حزب حکمتیست

کلیه زندانیان سیاسی بی قید و بی وثیقه آزاد باید گردند!

آزادی تعدادی از شریفترین مبارزان سیاسی از زندان بدست با موجی از خوشحالی آزدیخواهان و انقلابیون روبرو شده است. همزمان تعداد بازداشتها، احضارها، سرکوب اعتراضات، پرونده سازی و اعدامها گسترش یافته است. بخش بالا و مهمی از زندانیان موسوم به "امنیتی" و فعالان کارگری و زنان و فرهنگیان و دانشجویان و جوانان و بازنشستگان، اساساً "جرمی" مرتکب نشدند و طی بازداشتها و پرونده سازیها و گروکشیها مکرراً زندانی و تحت اذیت و آزار و فشار مستمر قرار گرفته اند. در واقع آنها بیپرونده بازداشت و زندانی شده بودند و نمی بایست اصولاً بدلیل فعالیت سیاسی یا ابراز مخالفت بازداشت میشدند. سیاست رژیم اسلامی اینست که در یک مارا تن سرکوب و اعمال فشار، همواره تعداد بیشتری از مخالفین را بعنوان اسرا و زندانی گرو بگیرد تا بتواند کنترلش را بر جامعه حفظ کند. ما باید این دور باطل را درهم شکنیم.

تشدید کشمکش حکومتیها بر سر بقا، انعکاس وحشت از طوفان سهمگینی است که طومار حکومت اسلامی و صنعت فاسد مذهب در جامعه ایران را برمی چیند. اگرچه ماشین سرکوب و اعدام بیوقفه کار میکند اما سرکوب دیگر کارکرد کلاسیک خود را از دست داده است. در نظامی که بر اساس استثمار خشن کار ارزان و کارگر خاموش و ممنوعیت تشکل و تحزب بنا شده است، بخشهای مختلف طبقه کارگر از کارگران مراکز تولیدی و خدماتی تا فرهنگیان و بازنشستگان در اعتراض و اعتصاباند. زنانی که قرار بود به حاکمیت آپارتاید جنسیتی، اجتماعی و قوانین عهد عتیق تسلیم شوند، قدرتمندترین خیزش زنانه را با آتش زدن حجاب اسلامی، این بیرق بردگی زن، در تاریخ خاورمیانه و جهان ثبت کردند. زندانیان و معترضینی که قرار بود تحت شکنجه و سناریوهای مسخره امنیتی مرعوب و تسلیم شوند، زندان را به سنگر اعتراض علیه اعدام و سرکوب بدل کردند. جمهوری اسلامی حتی در زندانها، در موقعیت دفاعی قرار گرفته است.

زندان دژ ارتجاع سیاسی و مرکز ثقل قدرت نظامهای استبدادی است. در جامعه سرمایه داری، اگر زرق و برق توخالی مجالس و پارلمان و قوانین را کنار بزنید، به زندانها و قوه قهریه و ماشین سرکوب بمثابه ارکان اساسی نظم استثمارگر سرمایه داری میرسید. امروز این دژ ارتجاع و دستگاه اجرای قتل عمد دولتی، به سنگر مبارزه و اعتراض به سرکوب و "نه به اعدام" بدل شده است. ورق برگشته است و ماشین خونین شکنجه و اعدام دیگر نمیتواند عزم قدرتمند ما برای سرنگونی را برزاند. این مردم آزادی میخواهند، زندگی میخواهند، آینده میخواهند، برابری میخواهند، علیه تبعیض و سرکوب و استبداد و استثمارند. اعتراض و اعتصاب مانند آتش زبانه می کشد. روزی که جنبش انقلابی درب زندانها را بشکند و زندانیان را با قدرت خویش آزاد کند نزدیک است. روز برپائی دادگاه های عادلانه و علنی برای محاکمه جنایتکاران نزدیک است. روز اعلام پیروزی بر ارتجاع اسلامی سرمایه و لغو اعدام و شکنجه نزدیک است. شما زندانیان و مبارزین از سازندگان این حقیقت تاریخی هستید.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست آزادی تعدادی از زندانیان سیاسی را به کارگران و مردم انقلابی تبریک و بر گسترش تلاش برای آزادی بیقید و بی وثیقه کلیه زندانیان سیاسی تاکید دارد. همراه و همصدا با زندانیان سیاسی مبارز برای لغو احکام اعدام صادر شده، علیه اعدام و برای آزادی بیقید و شرط کلیه زندانیان سیاسی تلاش کنیم. تا روز

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



هدف اصلی اسرائیل و آمریکا این است که غزه تخلیه شود و سرزمین فلسطین عملاً به اسرائیل ضمیمه گردد و "اسرائیل بزرگ و قدرتمند" در منطقه تثبیت شود. این نقشه توسط آمریکا و دولت ترامپ، همپیمان اسرائیل، هدایت می‌شود. هیئت حاکمه آمریکا دست نتانیاهو را برای پیادسازی آن باز گذاشته و هر قطعه‌نامه‌ای برای آتش‌بس را تاکنون وتو کرده است.

متن مصاحبه ناصر مرادی دبیر کمیته مرکزی

با برنامه پاسخ در رابطه

با حمله اسرائیل به غزه و تحولات منطقه

مقدمه

در پی حمله ۷ اکتبر حماس به اسرائیل، منطقه شاهد تشدید تنش‌های نظامی و دیپلماتیک بوده است. حمله اسرائیل به غزه، حزب‌الله لبنان، حمله هوایی به ایران و جنگ ۱۲ روزه و اخیراً حمله به نمایندگان حماس در قطر، واکنش‌های متعددی را در پی داشت و پرسش‌هایی جدی درباره نقش کشورهای عربی و اهداف پشت‌پرده این عملیات مطرح کرد. نوشته‌ی زیر متن مکتوب مصاحبه‌ی ویدیویی برنامه‌ی پرسش تلویزیون پرتو است که در آن به پرسش‌های رفیق کریم نوری پاسخ داده‌ام.

ناصر مرادی

سؤال: بعد از حمله ۷ اکتبر حماس به اسرائیل، ما شاهد تشدید بحران و کشمکش نظامی در منطقه بودیم. اخیراً اسرائیل به نمایندگان حماس در قطر حمله کرد؛ اقدامی که پرسش‌های زیادی برانگیخت. کشورهای عربی ظاهراً این حمله را محکوم کردند. نظر شما در مورد این حمله چیست؟ آیا این نقشه‌ای برای گسترش جنگ در منطقه است یا اهداف دیگری دنبال می‌شود؟

ناصر مرادی: حمله اسرائیل به دوحه پرسش‌های زیادی را مطرح می‌کند. از جمله اینکه آیا قطر از قبل در جریان بوده یا نه؟ بنا به گزارش‌ها، حدود ۱۰ تا ۱۵ هواپیمای اسرائیلی با پشتیبانی هواپیماهای آمریکایی در این عملیات شرکت داشتند. با توجه به وجود پایگاه مهم "العدید" آمریکا در قطر، سامانه‌های راداری و ضدوشکی و کنترل دقیق فضای هوایی، بعید است که قطر بی‌اطلاع بوده باشد.

اگر این هواپیماها از مسیر عربستان عبور کرده باشند، سامانه‌های راداری و پاتریوت به راحتی می‌توانستند آن‌ها را شناسایی کنند؛ همین‌طور اگر از مسیر اردن یا عراق آمده باشند. علاوه بر این، هم‌زمان با ورود هواپیماهای اسرائیل، یک جنگنده اف-۱۶ قطری نیز در آسمان دوحه حضور داشت. این شواهد نشان می‌دهد که قطر نسبتاً مطلع بوده، بلکه در این عملیات شریک بوده است. بنابراین من بر این عقیده‌ام که سکوت قطر ناشی از توافقات پشت‌پرده با آمریکا و اسرائیل و تصمیم آگاهانه برای عدم واکنش سریع بود.

سکوت حاکمان قطر می‌تواند دو دلیل داشته باشد: یا در معاملات پشت‌پرده با آمریکا و اسرائیل پذیرفته‌اند که از شر نمایندگان حماس خلاص شوند، یا عملاً نخواستند و نتوانستند واکنشی نشان دهند. بعد از حمله نیز برای آرام کردن و فریب افکار عمومی، موجی از محکومیت لفظی و نمایش اجلاس کشورهای اسلامی را برگزار کردند.

سؤال: اسرائیل اعلام کرده که نمایندگان حماس را در هر نقطه‌ای هدف قرار خواهد داد. عبدالفتاح سیسی، رئیس‌جمهور مصر، این اقدام را تهدید آشکار جنگ خواند و اردوغان هم واکنش نشان داد. اگر قطر در جریان بوده، آیا این فراتر از حذف رهبران حماس است؟ چه نقشه‌ای پشت این اتفاقات است؟

ناصر مرادی: نقشه همان طرح "خاورمیانه جدید" و بازترسیم مرزها به دست آمریکا و اسرائیل است. آمریکا بدون توجه به هشدارهای سازمان ملل یا گزارش‌های مربوط به جنایت جنگی و نسل‌کشی در نوار غزه، دست اسرائیل را باز گذاشته تا هر جا بخواهد بمباران کند.

کشورهای عربی نیز در این پروژه تلویحاً همراه هستند. آن‌ها میلیاردها دلار در اقتصاد و صنایع نظامی آمریکا سرمایه‌گذاری کرده‌اند و حاضر نیستند برای حماس یا مردم فلسطین موقعیت اقتصادی و سیاسی خود را به خطر بیندازند. تنها کاری که می‌کنند، اتخاذ موضع‌گیری‌های نمایشی و لفظی در بیانیه‌هاست تا وانمود کنند مخالف اقدامات اسرائیل هستند. اما هیچ اقدام عملی نظیر تحریم اقتصادی، قطع روابط یا تهدید نظامی انجام نمی‌دهند.

سؤال: به نظر می‌رسد گردهمایی سران عرب هم بیشتر برای حفظ وجهه در برابر مردم خودشان بود تا مقابله واقعی با اسرائیل. شما این اجلاس را چگونه می‌بینید؟

ناصر مرادی: دقیقاً. تشکیل اجلاس سران کشورهای اسلامی و عربی (با حضور ۵۷ کشور) عمدتاً برای فریب و تحمیل افکار عمومی مردم عرب‌زبان و منطقه است تا وانمود کنند مخالف اقدامات اسرائیل هستند. در بیانیه پایانی این گردهمایی فقط محکومیت لفظی ذکر شد و حتی کوچک‌ترین اشاره‌ای به تحریم اقتصادی یا تهدید اسرائیل نشد. علت اصلی هم روشن است: همه تجهیزات نظامی این کشورها آمریکایی است و طبق قرارداد، اجازه استقاده علیه متحدین آمریکا، از جمله اسرائیل، را ندارند.

تنها نگرانی جدی مربوط به مصر و ترکیه است. مصر می‌ترسد که پس از اشغال غزه، موج آوارگان به مرز رفح رانده شوند و اسرائیل با ادعایی ساختگی اعلام کند که از میان چادر آوارگان به سربازان ما تیراندازی شده است و باید آنجا هم تخلیه شود. به نظر من این بار مقصد، خاک مصر و صحرای سینا خواهد بود. اینجاست که پای رویارویی با مصر به میان می‌آید. ترکیه نیز بیم تهدید مستقیم نظامی اسرائیل را دارد. اما دیگر دولت‌های عربی عملاً این نقشه را پذیرفته‌اند.

سؤال: رئیس‌جمهور ایران هم در این کنفرانس شرکت کرد و از «امت اسلامی» و «ناتوی اسلامی» صحبت کرد. آیا جمهوری اسلامی می‌تواند حمایت کشورهای عربی را به دست بیاورد؟

ناصر مرادی: خیر، کشورهای عربی متحد آمریکا هستند و ایران این را خوب می‌داند. سابقه هم نشان داده است؛ در جنگ ۱۲ روزه، دو جنگنده قطری در کنار هواپیماهای اسرائیل برای شناسایی مراکز حساس ایران پرواز کردند. این جنگنده‌ها بمبارانی انجام ندادند، اما اگر برای شناسایی نقاط حساس نظامی و پدافندی نبود، در آسمان ایران چه کار می‌کردند؟

بنابر این جمهوری اسلامی امیدی به حمایت واقعی این کشورها ندارد. ایران فقط برای تبلیغات داخلی و نمایش سیاسی در این نشست شرکت کرد. اما واقعیت این است که تهدید اسرائیل و آمریکا علیه جمهوری اسلامی همچنان پابرجاست. آمریکا بعد از جنگ

ادامه در صفحه ۲

برابری بی‌قید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!



فوری آن نه رژیم اسلامی، بلکه توده وسیع مردم کارگر و کم درآمد در ایران خواهند بود.

این تصور که اعمال فشار بر مردم و به استیصال کشیدن آنها گامی در جهت سرنگونی رژیم اسلامی است، تصویری بیمارگونه و ضد اجتماعی است که فقط در چهارچوب تفکر فرقه ای جریانات حاشیه جامعه نظیر مجاهدین می

گنجد. و این در شرایطی است که خود آمریکا نه فقط تغییر رژیم، بلکه حتی تغییر روش داخلی رژیم اسلامی در قبال مردم ایران را جزو اهداف سیاست تحریم تجاری ذکر نکرده است.

برخلاف برداشت اغلب مفسران رسانه ها، سیاست تحریم "وحدت ضد آمریکایی" در درون رژیم را تقویت نمیکند، جناح ضد غربی را در رژیم ایران قدرتمندتر نمیکند، و بر شدت تبلیغات ضد غربی رژیم اسلامی نمی افزاید. این واقعه شباهتی به ماجرای اشغال سفارت ندارد. آن دوران گذشته است. امروز این یک فشار واقعی روی جناح غربی و طرفدار آمریکا در حکومت است که تکلیف خود را هرچه سریعتر و به شیوه ای هرچه چشمگیرتر با جناح مخالف روشن کند. تاثیر این اقدام بر رژیم اسلامی تشدید اصطکاک میان جناحهای حکومت در درون ایران، و جهت گیری جدی تر رژیم اسلامی در عرصه دیپلماسی و سیاست خارجی به سوی کنار آمدن با آمریکا و دول غربی خواهد بود.

اولین بار در تیر ۱۳۷۴، ژوئن ۱۹۹۵، در شماره ۱۸ انترناسیونال منتشر شد.

دو نوشته از منصور

همسویی با کدام طرف؟ ایران یا آمریکا؟

تحریم تجاری ایران

همسویی با کدام طرف؟ ایران یا آمریکا؟

امکان اعمال مانگنه اقتصادی و یا عمل نظامی علیه جمهوری اسلامی از جانب آمریکا، مشغله ها، عواطف و الفاظ کهنه ای را دوباره در اپوزیسیون بورژوازی باب کرده است. برای برخی این حکم سرنگونی قریب الوقوع رژیم محسوب میشود. سوال قدیمی "همسویی با کدام طرف" باز در کردورهای سازمانهای چپ سابق و دمکراسی طلب امروز پژواک پیدا میکند. مستقل از تفاوت در تلفیقات و انتخاب "همسویی" هاشان در این بخت آزمایی جدید، مفروضات مشترکی ذهن اکثر اینها را شکل داده است. اگر بناست حقیقتی روشن شود باید این مفروضات را شکست. برخلاف تصور اکثر این جریانات نقض حقوق بشر و جنایات رژیم علیه مردم، دغدغه آمریکا نیست. اما مساله بر سر تروریسم رژیم اسلامی و هیولای "بنیادگرایی اسلامی" به دلایل کاملاً قابل درک فعلاً کاندید بعدی پست امپراطوری شر و آنتی تز مدنیت غربی است که با سقوط شوروی خالی مانده. ثبات سیاسی و اجتناب از اصطکاک نظامی در غرب و جهان صنعتی، علیرغم جنگ اوج گیرنده تجاری، و وجود فرجه ای برای رهبری آمریکا بعنوان ابر قدرت نظامی چنین دشمن استراتژیکی را ایجاب میکند. آنچه امروز در دستور غرب است، علم کردن جمهوری اسلامی در این ظرفیت جدید است و نه سرنگون کردن آن. همان دستهایی که قرار است جمهوری اسلامی را بکوبند، زیر بغلش را هم گرفته اند که زمین نخورد.

فشار غرب، بویژه اگر به عرصه نظامی کشیده شود، اتفاقاً بر عمر رژیم میافزاید. چنین ضربه ای در درجه اول دست رژیم را در مرعوب کردن کارگران و زحمتکشان ناراضی باز میکند و آنها را از عرصه دخالت سیاسی دور میسازد. هیات حاکمه حول یک پلاتفرم فوق راست و فالانژیستی منسجم میشود. اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی در شرایطی که بن بست اقتصادی و فلج سیاسی رژیم دورنمای عمل ثمربخش توده مردم را محتمل تر کرده است، یک مانده آسمانی برای رژیم منحوس اسلامی خواهد بود.

ما برای سرنگونی رژیم اسلامی و علیه برقراری نظم نوین ارتجاعی در سطح جهانی هر دو مبارزه میکنیم. برای کمونیسم کارگری تنها یک "همسویی" ممکن است و آن با منفعت انقلاب کارگری و امر آزادی است.

تحریم تجاری ایران

تحریم تجاری ایران توسط آمریکا، انگیزه های داخلی و بین المللی دولت آمریکا در اتخاذ این سیاست و تاثیرات آن بر جمهوری اسلامی در هفته های اخیر از جانب مفسران مختلف مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در این میان چند نکته باید اینجا مشخصاً مورد تاکید قرار بگیرد.

این سیاست آمریکا مستقل از تاثیراتش بر ثبات و بی ثباتی رژیم اسلامی، باید بعنوان یک اقدام زیانبار برای مردم ایران بدون هیچ ابهامی محکوم شود. وخامت بیشتر اوضاع اقتصادی مردم نتیجه محتوم این سیاست خواهد بود. برخلاف ادعاهای رایج، تحریم تجاری از جانب آمریکا حتی اگر اروپا و ژاپن و سایر قطبهای اقتصادی از آن تبعیت نکنند، تنگناهای واقعی برای اقتصاد ایران ایجاد میکند که قربانیان

نان، آب، برق... نه به جنگ!

فقر، بی برقی، بی آبی، گرانی سفره‌ی ما را غارت کرده است.

مسبب این اوضاع، همان دزدان و سرکوبگران، ما را به جنگ ارتجاعی دیگری می‌کشاند.

جنگ آنها، جنگ ما نیست! این جنگ دولتهای سرمایه‌دار تروریستی برسر قدرت است.

ما چه می‌خواهیم؟

زندگی، نه مرگ!

برق، آب، نان می‌خواهیم؛ نه موشک و جنگ!

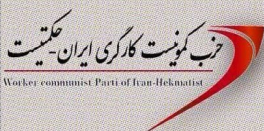
رفاه و آزادی می‌خواهیم، نه فقر و بمب!

جنگ ارتجاعی یعنی ویرانی و آوارگی، یعنی

مرگ کارگران و محرومان!

اتحاد و مبارزه علیه حکومت‌های جنگ‌طلب!

علیه فقر و جنگ، برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی متحد شویم!



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزنید!



۲- زندانهای سیاسی باید برچیده شوند. هر نوع شکنجه و آزار جسمی و روانی علیه مجرمین باید قانوناً ممنوع و جرم جنائی محسوب شود. زندان ابد و مجازات اعدام باید در قوانین کشور لغو شود.

۳- سران و کارگزاران جنایت علیه مردم باید در دادگاهی

مُنْتَخَب و عادلانه و علنی، بجرم جنایت علیه مردم محاکمه شوند. مردم ایران و قربانیان بیش از چهار دهه حکومت ترور و وحشت نیاز دارند حقایق را بدانند و از این دوران سیاه عبور کنند. مردم ایران نیازی به انتقام و تداوم چرخه آدمکشی و قصاص ندارند. ما مجازات اعدام و شکنجه و زندان ابد را لغو میکنیم اما قاتلین و جنایتکاران را نمی بخشیم. سیاست سازش با جنایتکاران که اپوزیسیون راست و از جمله سلطنت طلبان ساز آن را کوک کرده اند سیاست تداوم همین بساط بنوعی دیگر است. هیچ جامعه شیه انسانی به جنایتکار مدال افتخار نمیدهد. جنایتکاران باید محاکمه شوند و اسرار و زوایای جنایت در دهه های گذشته را روشن کنند. اما اعدام و انتقام سیاست جنبش آزادیخواهانه کمونیسم کارگری نیست. پایان دادن به تاریخ طولانی جنایت یک شرط مهم برپائی یک جامعه آزاد و خوشبخت و انسانی است.

۴- آزادی سیاسی قید و شرط ندارد و ویژه "از ما بهتران" نیست. آزادی سیاسی جزو حقوق بدیهی شهروندان است. هر کسی، از کمونیست و مارکسیست و دمکرات تا ناسیونالیست و اسلامی و فاشیست حق دارد حرفش را بزند. حق دارد حزب درست کند و حق دارد بدون تعرض به مصونیت و امنیت دیگر شهروندان عقایدش را تبلیغ کند. اگر بحث برسر انتخاب جامعه است، این انتخاب اگر واقعی و آگاهانه باشد، تنها میتواند مَنکی به آزادی بیقید و شرط سیاسی و آزادی متشکل شدن در تمام سطوح باشد. هر کسی یکبار به دنیا می آید و در این یکبار اگر نتواند حرفش را بزند و برای آن نیرو جلب کند چه وقت قرار است اینکار را بکند؟

۵- آزادی سیاسی و آزادی بیان و نقد بی قید و شرط به معنی حقوقی و قانونی آن هنوز کافی نیست. آزادی و حق اگر نتواند به امری مادی و قابل تحقق تبدیل شود آزادی و حق صوری و فرمال است. اینجاست که مسئله رسانه ها مهم میشود. رسانه ها نباید در انحصار دولت باشند بلکه باید شهروندان متشکل در نهادها و جریانات و احزاب بتوانند از طریق وسائل ارتباط جمعی موثر حرفشان را بگوش بقیه برسانند و هیچ دستگاه سانسور و ممیزی جلو دهان مردم را نتواند بگیرد. سانسور باید لغو شود.

۶- آزادی و برابری به معنی وسیع کلمه امری فردی و اجتماعی است. انسانها چه در ظرفیت فردی و چه در ظرفیت جمعی باید آزاد باشند. در جوامع و نظامهای بورژوازی همواره یکی قربانی دیگری شده است. یا با حقوقی کُلکتیو و محقر هر نوع آزادی فردی را زیر سوال بردند و یا زیر نام آزادی فردی لیبرالی، که بیانی از آزادی بورژوا در استثمار است، حقوق اجتماعی را شکمی لغو کرده اند. دامنه آزادی فردی و آزادی اجتماعی مادام که چهارچوب حقوق و آزادیهای مُصَرَح یکسوی این معادله اجتماعی را زیر سوال نبرده اند معتبرند. تنها مرز در دامنه این آزادیها نقض آزادیها و حقوقی است که یک جامعه آزاد برای کلیه شهروندانش برسمیت شناخته است.

اینروزها که سوالات اساسی جامعه در متن تقابل با ارتجاع اسلامی بیش از پیش مطرح میشوند، باید به آینده این نبردها و یک پیروزی همه جانبه فکر و در مبارزه همین امروز ملحوظ کرد.

توقع آزادی از بانیان ارتجاع توهمی خطرناک است و ادامه در صفحه ۳

سرمایه داری و آزادی سیاسی

سیاوش دانشور

شعار "آزادی کلیه زندانیان سیاسی" در کنار شعار "آزادی بیقید و شرط سیاسی" اعم از آزادی بیان و نقد و اجتماع و اعتراض و تحرُّب و تشکل، از شعارهای قدیمی و برنامه ای کمونیستهای ایران است. هر زمان آزادی ویژه طبقه حاکم و اشراف و سرمایه داران و یا یک طبقه معین باشد، سهم دیگران اختناق و سرکوب و زندان و اطاعت است. آزادی نمیتواند ویژه "خلق" یا حتی طبقه انقلابی و گروهی ویژه باشد، آزادی امری است مربوط به انسانها و تک تک شهروندان. آزادی نمیتواند در جامعه ای خاکستری با حکومتی ایدئولوژیک متحقق شود چون قدرت و منافع حکومت مربوطه بناگزیگرایش به محدود کردن و سرکوب آزادی دارد.

اگر میخواهیم زندانی سیاسی و جرم سیاسی به تاریخ ببینود، اگر میخواهیم زندانهای سیاسی را برچینیم و ادوات شکنجه و آلبوم شکنجه گران و زندانیان و قربانیان آنها را در همان اماکن بعنوان موزه دوران جهالت و دیکتاتوری و اختناق سرمایه داری در ایران ثبت کنیم، باید همراه با نفی زندان سیاسی امر آزادی بیقید و شرط سیاسی را متحقق کنیم. در جوامعی مانند ایران که سرمایه داری بدون اختناق سیاسی آموزش نمیکرد این غیر ممکن است. نه فقط در جمهوری اسلامی بلکه هر نوع سرمایه داری در ایران، با هر رنگ پرچمی و با هر ترکیب ناسیونالیسم و مذهب و دمکراسی، به زندانیان و شکنجه گر و ماشین دولتی سرکوب نیاز دارد.

آزادی و رهائی به معنی ایجابی آن با طبیعت نابرابری بُنیادی در سرمایه داری در تناقض است. در کشورهای غربی که دمکراسی حاکم است، و عده ای نسخه های رنگ و رو رفته اسلامی و ملی آن را برای مردم تجویز میکنند، زندانی سیاسی به معنی رایج آن نداریم. هرچند انواع فشار و حذف به اشکال ظریفتر وجود دارد و کنترل شهروندان امری علنی است. آزادی بیان به معنی حقوقی آن وجود دارد و هر کسی میتواند هرچه دل تنگش میخواهد در چهارچوبهای مُجاز بگوید. اما آزادی امری صرفاً حقوقی نیست بلکه و اساساً اقتصادی و اجتماعی است. در این جوامع ظاهراً من و شما حق داریم حرف بزنیم اما امکان حرف زدن در همان مقیاسی که بورژوازی دارد غیر ممکن است. شما میتوانید در اینترنت چیزی بگویید و طرف مقابل با رسانه های عظیم اهداف و سیاستهایش را پیش میبرد و ارزشهای فکری و اخلاقی و فرهنگی اش را جا می اندازد. آزادی صوری با آزادی واقعی و مادی تفاوت بُنیادی دارد. اگر کسی نتواند امکان تحقق مادی حقوق قانونی اش را داشته باشد آن قانون دکوری بیش نیست. ما ظاهراً از بسیاری حقوق برخورداریم و در واقعیت امکان عینی تحقق آن را نداریم. اینها هنوز راجع به کشورهایی است که دیکتاتوری طبقه بورژوا در چهارچوب دمکراسی نیابتی و نظام پارلمانی اعمال میشود و مسائلی مانند ارتش و پلیس و استعمار و مالکیت خصوصی هیچوقت مورد بحث این دمکراسی و انتخاباتش نیست. در کشورهایی مانند ایران که سرمایه داری و اختناق دُوقلوی تاریخی اند، داستان تماماً فرق میکند.

سیاست کارگری و آزادیهای سیاسی

امروز که مسئله زندانیان سیاسی و اعتراض به سرکوب و پرونده سازی امنیتی، وسیعاً به امر کارگران و مردم آزادیخواه در داخل و خارج کشور تبدیل شده است، باید سیاست و دورنمای جنبش آزادیخواهانه برای آزادی زندانیان سیاسی و نفی جرم سیاسی روشن و بدون تفسیر باشد:

۱- کلیه زندانیان سیاسی- و نه فقط "خودبها"- باید بدون قید و شرط آزاد شوند. مقوله "جرم سیاسی" را باید به زبانه دان تاریخ ریخت و مُطلقاً با هیچ نوع تفسیری آن را در قوانین نپذیرفت. جرم سیاسی نداریم.

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!

از میان رویدادهای هفته

علی جوادی

بمب اتم، آخرین طناب پوسیده حکومت در باتلاق سقوط



ساخت‌ها، قطع آب و برق و دارو، و کشتار هزاران هزار نفره.

اما پاسخ چیست؟ اول، و پیش از هر چیز، باید از منظر اخلاق سیاسی و انسانی اعلام کرد: بشریت باید از شر همه سلاح‌های کشتار دسته جمعی خلاص شود.

هیچ کشوری، نه جمهوری

اسلامی، نه اسرائیل، نه آمریکا، نه روسیه، حق ندارد زندگی انسان‌ها را گروگان زرادخانه اش کند. این خواست، نه صرفاً شعار آرمانی، که خواستی اجتماعی است، زیرا توده مردم کارگر و فرودستان جامعه، انسانیت در کل بیش از همه از جنگ و تسلیحات کشتار دهنده متضرر می‌شوند. جهانی بدون سلاح‌های کشتار جمعی، امکان زندگی انسانی تر را فراهم می‌آورد.

دوم: مبارزه عملی باید از درون جامعه آغاز شود. تقویت و گسترش تشکلهای کارگری، گسترش جنبش های اجتماعی زنان، سازمان دهی دانشجویان و بسیج نیروی جوان در شهرها و محلات. تنها قدرت اجتماعی متحد است که می‌تواند پروژه‌های اتمی استبداد حاکم را با تشدید و گسترش مبارزه برای سرنگونی انقلابی آن خنثی کند.

سوم: باید هم زمان نقد ماشین جنگی بین‌الملل را ادامه داد: بت مشروعیت "نظم جهانی" و به کارگیری نیروی نظامی به بهانه "امنیت" را باید در هم شکست. ایستادگی در برابر منطق پیشدستی نظامی غرب و منطقه تنها وقتی ممکن است که خواست خلع سلاح جهانی با فشار مردمی و بین‌المللی همراه گردد. این یعنی هم پیمانی اجتماعی جنبش‌های مشابه در سراسر جهان.

در پایان، باید گفت که اعلام غنی سازی ۶۰ درصدی و خواست ۷۱ نماینده برای بمب اتم، بیشتر از آنکه نشانه اقتدار باشد، لکه ننگی است بر پیشانی حکومتی که می‌کوشد با قربانی کردن جامعه بقای حکومت سیاه خود را تضمین کند. اما تاریخ نشان می‌دهد که نیروی زندگی، نیروی توده مردم سازمان یافته، قوی‌تر از هر زرادخانه‌ای است. شیشه عمر این رژیم در دست مردم است. انتخاب ما روشن است، ما برای سرنگونی رژیم اسلامی، برای خلع سلاح اتمی، برای سوسیالیسم و انسانیت، برای ساختن جامعه‌ای که منابض برای سلامت و آموزش و کرامت انسان صرف شود نه برای نمایش تهدید و مرگ، مبارزه میکنیم. برگ آخر واقعی را باید مردم بازی کنند؛ برگ زندگی را، این مردم اجازه نمیدهند با برگ بمب جامعه را به ورطه نابودی و نیستی بکشانند.

"از اسرائیل می‌خواهم به ایران حمله کند"، اعتراف رسوای سلطنت طلبان

حمید فرخ نژاد یکی از هنرپیشه های دست دوم سینمای ایران که مدتی است به خارج از کشور آمده و در صف مدافعان سینه چاک رضا پهلوی قرار گرفته است، با صراحتی مشتمل کننده گفته است: "از اسرائیل می‌خواهم به ایران حمله کند". این حرف، دعوتی به ویران کردن مردم است و آینه رسوایی ماهیت سیاسی این جریان را پیش روی ما می‌گذارد.

این سخن فقط یک جمله خام و بی پروا نیست؛ پرده برداری

۸ صفحه

۷۱ نماینده مجلس اوباش اسلامی خواستار تجهیز رژیم به بمب اتم شدند. جمله‌ای کوتاه، اما چون پتکی بر سر جامعه فرود آمد. این اعلام عریان سیاست بقاست: اعتراف رسمی حکومتی که هیچگونه مشروعیتی نداشته و اکنون می‌کوشد با گام برداشتن به سوی دستیابی به بمب اتم زمان بیشتری برای حکومت خود بخرد. و با همین یک خبر باید شروع کرد؛ چون از این نقطه، همه چیز روشن می‌شود: مسئله زندگی یا مرگ جمعی است.

وقتی بخشهایی از حاکمیت این گونه جار می‌زنند "بمب برای بقا"، معنایش ساده است: مردم را فدای تصور پوچ حفظ قدرت می‌کنیم. این انتخاب سیاسی شفاف، همان است که خامنه‌ای با اعلام ادامه غنی سازی ۶۰ درصدی به آن رسمیت بخشید. فریادی از سر استیصال و دعوتی آشکار به جنگ، تحریم، و نابودی جامعه.

اوباش اسلامی حاکم می‌کوشند اینطور وانمود کنند بمب اتم ضامنی برای حفظ جامعه از خطر جنگ است. اما بمب اتم هیچ گاه حافظ مردم نبوده است؛ همیشه ابزار دولت‌ها برای معامله، تهدید، و حفظ طبقه حاکم بوده. اورانیوم غنی شده نان نمی‌آورد؛ سانتریفیوژها مدرسه و درمانگاه نمی‌سازند. هنگامی که میلیاردها دلار در پروژه‌هایی مصرف میشود که تنها کارکردشان تهدید و نمایش قدرت است، کسی باید پرسد: آیا این منابع باید صرف بقای یک اقلیت استثمارگر متحجر اسلامی شود یا صرف سلامت و آینده مردم؟ پاسخ منطقاً ساده و مشخص است؛ اما ارتجاع اسلامی حاکم، ذره ای برای جان مردم ارزش قائل نیست.

هم زمان باید هشدار داد که مسیر هسته‌ای بدون تردید دروازه جنگ و کشمکش نظامی را نیز باز می‌کند. تجربه تاریخ منطقه و همینطور جنگ دوازده روزه نشان داده است که اگر بازیگری در پی بمب برآید، بازیگران قدرتمندتر ترجیح می‌دهند پیش از تکمیل پروژه، ضربه ها را بزنند. بنابراین اعلام غنی سازی ۶۰ درصدی، نه فقط ژست مقاومت که کارت دعوت ورود مرحله تازه‌ای از جنگ و کشمکش خونین است، منازعه‌ای که نخستین قربانیانش همواره مردم عادی و جامعه است.

و اینجاست که باید هم زمان ماشین جنگی مقابل را نیز نقد کرد. اسرائیل با زرادخانه نامعلومی که دارد، آمریکا با سنت دکترین پیشگیرانه، و اروپا که اغلب در حلقه سیاست هژمونیک آمریکا قرار می‌گیرد، هرکدام براساس منافع ژئوپولتیک خود عمل می‌کنند، نه براساس ملاحظات "بشر دوستانه". آنها اگر "تهدیدی" را ببینند، نه پرسش می‌کنند که چه بر سر مردم خواهد آمد، که چگونه می‌توان از بروز فاجعه جلوگیری کرد، بلکه برنامه عملیاتی خود را برای خنثی سازی تهدید می‌چینند، حتی اگر به قیمت ویرانی و نابودی گسترده زندگی و جامعه باشد. پس وقتی حاکمیت ایران به سمت بمب اتم می‌رود، می‌توان با قطعیت پیش بینی کرد که ماشین جنگی منطقه و فرا منطقه، به ویژه اسرائیل و آمریکا، گزینه‌های نظامی و اقتصادی مهیبی را روی میز خواهند گذاشت و این تهدید ها آنچنان آشکار است که پنهان کردنشان کار پیچیده ای است. نتیجه مستقیم برای جامعه ایران: نابودی زیر

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

زمان آن است که با صدایی واحد فریاد بزنیم: جان ما مردم کالای معامله نیست. آری به انقلاب توده ای، انسانی و سازمان یافته که از چاه ها بیرونمان آورد و زمین نوینی بسازد.

این پیام را اکنون، در میان تاریکی تهدیدها و جنایات، به گوش همه برسانیم: سازماندهی شویم، متحد شویم، و تاریخ را با دست خود بنویسیم نه این که اجازه دهیم تاجداران و بمب افکنان آن را بنویسند. ما میتوانیم تاریخ را با سازمان، همبستگی و اراده خود رقم بزنیم، نه با بمب و بازیگران خارجی.

یک دنیای بهتر

تغییر جهان و ایجاد دنیایی بهتر یک امید و آرمان همیشگی انسانها در طول تاریخ جامعه بشری بوده است. علیرغم رواج ایده های قدرگرایانه و خرافی اعم از مذهبی و غیر مذهبی حتی در دنیای باصطلاح مدرن امروز، ایده هایی که هریک به نحوی علاج ناپذیری و مقدر بودن وضع موجود را تبلیغ میکنند، زندگی واقعی و عمل روزمره توده های وسیع مردم همواره حاکی از یک امید و باور عمیق به امکان پذیری و حتی اجتناب ناپذیری یک آینده بهتر است. این امید که دنیای فردا میتواند از محرومیت ها و مشقات و کمبودها و زشتی های امروز رها باشد، این اعتقاد که عمل امروز انسان ها، چه جمعی و چه فردی، در تعیین چند و چون دنیای فردا موثر است، یک نگرش ریشه دار و قدرتمند در جامعه است که زندگی و حرکت توده های وسیع مردم را جهت میدهد.

کمونیسم کارگری قبل از هر چیز به اینجا تعلق دارد، به امید و اعتقاد انسان های بیشمار و نسلهای پی در پی به اینکه ساختن یک آینده بهتر، یک جهان بهتر، بدست خود انسان، ضروری و میسر است.

از میان رویدادهای هفته...

است از حقیقتی که همیشه پشت صورت بندی های رنگارنگ پنهان می ماند، برای بازگشتن و استقرار نظم ارباب و رعیتی پیشین به جای سیستم بندگی ولایت فقیه کنونی، عده ای حاضرند جان و زندگی توده های مردم را بفروشند. آنها جنگ را عوامفریبانه نسخه نجات جامعه و فرصت بازگشت به قدرت می بینند، فرصتی برای بازسازی قصرها و املاک از دست رفته شان البته به قیمت خون و کشتار مردم. ما با صراحت می گوئیم: جان انسان ها کالا نیست. کودک و مادر و کارگر و معلم و سالمند قیمت ندارند که بر سر میز معامله گذاشته شوند. می گویند جنگ برای نجات است، ما می گوئیم جنگ برای بازسازی قصرها و اعاده سیستم ارتجاعی سلطنت است. اینها جنگ را به مثابه ماشین پاکسازی می بینند که از میان خرابه ها یک نظم ارتجاعی دیگر سربر می آورد، نظمی که نامش بازسازی است اما معنایش باز توزیع ثروت به نفع استثمارگران سلطنتی است که از ویران شدن جامعه و زندگی سود برده اند. این همان تراژدی است که به قول مارکس سواران تاریخ باز می گردند تا با نقاب هایی نو بار دیگر عامه را فریب دهند.

جنگ دوازده روزه نمونه روشن و هولناکی بود. آن روزها نه فقط موشک ها و بمب ها ویرانی آوردند، جنگ دست تهاجم گر را بر روی جنبش های مردمی قفل کرد. تجمعات قطع شد، شبکه های سازماندهی پاره شد، خشم متفرق گشت و انگار همه ابزارهای سازماندهی مبارزه قیچی شدند. مردمی که داشتند خود را برای روزی دیگری از مبارزه و زندگی آماده می کردند، یکباره دیدند صحنه سیاسی به میدان ترس و بقا تبدیل شده است. جنگ همواره کوچک کننده افق و امید برای تغییرات است.

و این خطر دو راس دارد: یکی سلطنت طلبانی که با وقاحت خواهان شروع دور جدیدی از جنگ هستند، به استقبال آن میروند و دیگری رژیم اسلامی که به هر بهانه ای با آتش خشونت و سرکوب و توسل به جنگ طلبی میکوشد بقای خود را تضمین می کند. هر دو از یک خاستگاه اند: حفظ و رسیدن به قدرت اقلیت استثمارگر و سرکوبگر به قیمت انداختن زندگی توده های مردم به شقاوت. ما نباید از یک چاه بیرون بیاییم و در چاه دیگر بیفتیم.

پیام ما باید کوبنده و روشن باشد: نه به فراخوانهای جنگی، نه به جنگ طلبی نیروهای ارتجاعی. نه تسلیم به تاج و پناه به ماشین میلیتاریسم اسرائیل و آمریکا، نه تسلیم به شکنجه گران اسلامی و داخلی. نه جنگی که برج ها را آباد کند و کوچه ها را سوخته رها سازد. نه سیاستی که مبارزه مردم را قیچی می کند و آینده جمعی را به حراج می نهد.

پس چه باید کرد؟ ما راه سوم می خواهیم؛ تغییری که از بالا تحمیل نشود و از پایین شکل گیرد. شوراهای محیط کار و محل زندگی، تشکلات توده ای، گسترش جنبش آزادی زن و خلاصی جوانان، دانشجویان و دانش آموزان باید سازمان پیدا کنند. این شوراهای مبارزه اند؛ ابزار مبارزه برای بزیر کشیدن رژیم اسلامی و نطفه های سازمان دادن قدرت سیاسی در آینده.

اما ما دیده ایم که هر بار توده های مردم اجازه داده اند جنگ محور سیاست در جامعه شود، بازندگان خود توده های مردم بوده اند. اکنون

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



مردم است، سایه انداختن بر فاصله عمیق طبقاتی میان فقر و ثروت است. حاشیه ای کردن درد و رنجی است که برای مردم ساخته اند. عمق نگرانی خامنه ای و دولتش از عدم وحدت مردم با آنهاست. وحدت ملی خامنه ای، مقابله با وحدت و همبستگی سیاسی و طبقاتی اکثریت مردمی است که برای مرگ این رژیم ثانیه شماری می کنند. مردم هیچ وحدتی با این رژیم تبهکار ندارند.

خامنه ای از قوی شدن می گوید. قدرت او یعنی موشک، سپاه، زندان و شلاق. قدرت ما یعنی اعتصاب نفت، جنبش معلمان، خیزش زنان، شورش جوانان. او از این قدرت می ترسد، چون می داند سرنوشتش در همین قدرت تعیین خواهد شد.

قدرت واقعی در کارخانه و خیابان است، نه در سنگرهای سپاه. قدرت واقعی در اتحاد کارگر و زن و جوان علیه فقر و بی حقوقی است. این قدرت اگر سازمان یابد، بساط جمهوری اسلامی را جارو می کند.

اقتصاد مقاومتی یا اقتصاد رانتی؟

رهبر جمهوری اسلامی بار دیگر بر اهمیت اقتصاد مقاومتی تأکید کرد، اما هیچ اشاره ای به ساختار فاسد، ناکارآمد و نابرابر اقتصاد ایران نکرد. در کشوری که سهم کارگر از تولید به شدت کاهش یافته، سرمایه گذاری صنعتی روندی نزولی دارد و فرار سرمایه به امری عادی تبدیل شده، از کدام اقتصاد مقاومتی سخن می گویند؟

اقتصاد مقاومتی در کلام خامنه ای یعنی: فشار بیشتر بر مزدگیران، ریاضت بیشتر برای فرودستان، و رانت بیشتر برای نهادهای نظامی - اقتصادی. آنچه او مقاومت می نامد، در واقع سیاستی است که فقر را عمومی و انباشت ثروت را خصوصی کرده است.

تحقیر؛ در دل یک نظام مستبد

در بخش دیگری از سخنرانی، خامنه ای از جوانان مستعد ایرانی خواست که به کشورشان افتخار کنند، در حالی که میلیون ها نفر از همین جوانان یا در حال مهاجرت اند یا در حسرت فرصت شغلی و زندگی شرافتمندانه. رهبر نظام از "عزم جوانان در ساخت کشور" می گوید اما نمی گوید چرا نخبه ترین نیروهای انسانی از این کشور فراری اند؟ آیا تنها دشمنان خارجی مسئول اند یا نظامی که هرگونه خلافت، اعتراض و استقلال رأی را سرکوب می کند؟

از دیدگاه ما، مهم ترین عامل فرار مغزها و فرسایش سرمایه های انسانی، ساختاری است که زندگی را برای جوانان به زندان بی امید تبدیل کرده است. در چنین ساختاری، کارگر جوان یا باید تن به استثمار بدهد یا مهاجرت را انتخاب کند یا به لشکر بیکاران بپیوندد.

کلام آخر

خامنه ای از "مشت پولادین بر فرق دشمن" گفت. اما کدام دشمن، دشمن واقعی او مردم اند؟ کارگر معترض، زن آزادی خواه، جوان بیکار. اما حقیقت این است که دشمن واقعی مردم، همین جمهوری اسلامی است. مشت پولادین واقعی، اعتصاب کارگران و خیزش مردم است که بر فرق جمهوری اسلامی فرود خواهد آمد. مقاومت واقعی در خیابان است، در کارخانه است، در اتحاد کارگران و زنان و جوانان است. خامنه ای با سخنانش یک بار دیگر ثابت کرد که جمهوری اسلامی نه تنها دشمن آزادی، بلکه دشمن نان و زندگی ماست. آینده ای انسانی، آزاد و برابر فقط با سرنگونی انقلابی این حکومت و استقرار قدرت کارگر و مردم ممکن است.

"مذاکره نکنید چون دشمن دیکته می کند"

نگاهی به صحبت های اول مهر علی خامنه ای

وریا روشنفکر

خامنه ای دیروز باز هم روی صفحه تلویزیون ظاهر شد. همان کلمات پوسیده: "دشمن خارجی"، "اتحاد ملی"، "غنی سازی"، "قدرت"، "مذاکره بی فایده" است را تکرار کرد. این ها را چهل و پنج سال است می شنویم. اما امروز جامعه ایران دیگر آن مردم دهه شصت نیست. امروز کارگر و زن و جوان بیکار می دانند که این حرف ها فقط پرده ای است روی فقر، گرسنگی و سرکوب. این در عمل بازتابی بود از بیگانگی عمیق حاکمیت با زندگی واقعی میلیون ها انسان کارگر، بیکار، معترض و بی افق.

اتحاد ملی یا اتحاد بردگان؟

وقتی خامنه ای می گوید "وحدت ملی". معنای واقعی اش چیست؟ یعنی دهان کارگر معترض بسته شود. یعنی معلمی که حقوق ناچیزش کفاف زندگیش را نمی دهد، اگر اعتصاب کند "دشمن" است. یعنی زن آزادی خواه، جوان بیکار، بازنشسته گرسنه، همه باید ساکت شوند چون "اتحاد" لازم است. این اتحاد، اتحاد بردگان است زیر شلاق ارباب. اتحاد واقعی آن چیزی است که حکومت از آن وحشت دارد: اتحاد کارگر، معلم، زن، جوان و بیکاری که زندگی اش را این حکومت نابود کرده است.

غنی سازی و نان سفره

خامنه ای غنی سازی اورانیوم را "اقتدار ملی" می نامد. برای کی؟ برای کارگر هفت تپه؟ برای کارگر ابراکو؟ برای کودک کار که در چهارراه دستمال می فروشد؟ برای پرستاری که شیفت های چند برابری می دهد؟ غنی سازی برای این مردم نان نمی شود. غنی سازی یعنی جیب پر سپاه و سرمایه داران حکومتی. اقتدار ملی فقط به درد خامنه ای و هوادارانش می خورد. اورانیوم غنی شده شکم گرسنه را سیر نمی کند، درد نبود مسکن و بهداشت و درمان و آموزش را درمان نمی کند. مسئله مردم نه اقتدار ملی، نه غنی سازی اورانیوم، مسئله مردم معیشت، رفاه، برابری و آزادی است.

مذاکره یا انزوا؟

خامنه ای بار دیگر مذاکره با آمریکا را بی فایده خواند و مدعی شد که "طرف مقابل ابتدا نتیجه را مشخص کرده و بعد مذاکره را دیکته می کند." این گزاره شاید برای طیف خاصی از نیروهای حکومتی کارکرد تبلیغاتی داشته باشد، اما در عمل پوششی است برای تداوم سیاستی که ایران را به یکی از منزوی ترین کشورهای جهان تبدیل کرده است.

خامنه ای می گوید مذاکره با آمریکا بی فایده است. او دروغ نمی گوید، برای او مذاکره بی فایده است، چون بقای حکومتش به بحران و دشمن تراشی گره خورده است. اما برای مردم، این "بی فایدگی" یعنی انزوا، تحریم، گرانی، سقوط ریال، بیکاری و فلاکت. تحریم ها و بحران ها برای این حکومت نان و بقای سیاسی می آورد، برای مردم چیزی جز گرسنگی و بیکاری ندارد.

قدرت واقعی

خامنه ای بارها به تهدید دشمن، نفوذی ها، جنگ ترکیبی و عملیات روانی اشاره کرد. این زبان شناس است. هر زمان که شرایط اجتماعی به نقطه جوش می رسد، حاکمیت از ادبیات "دشمن" استفاده می کند تا صورت مسئله را از تضاد طبقاتی به جنگ امنیتی تقلیل دهد. خامنه ای شعار وحدت داد و بر همدلی ملی تأکید کرد. اما وحدت ملی اسم رمز ورشکستگی و بی اعتباری جمهوری اسلامی از نظر اکثریت

زنده باد همبستگی جهانی کارگران!

صدای فاشیسم در مقر سازمان ملل

امیر عسکری

مجمع عمومی سازمان ملل امسال شاهد صحنه‌ای بود، که چیزی جز نمایش آشکار فاشیسم سرمایه‌داری نبود. ترامپ پشت تریبون رفت و مثل یک دلال سیاسی، هم برای سرمایه جهانی تبلیغ کرد و هم نسخه سرکوب و اخراج پناهیجویان را به دولت‌ها نشان داد.

ترامپ سخنرانی‌اش را با ستایش آشکار از سرمایه و طبقه مفت‌خور سرمایه‌داری جهانی آغاز کرد، همان طبقه‌ای که با غارت منابع و نیروی کار میلیارد‌ها انسان، دنیا را به میدان جنگ و ویرانی بدل کرده است. ستایش از طبقه مفت‌خور سرمایه‌داری جهانی در تقابل با قربانیان این سیستم وحشی که موجب آوارگی انسان به مرزهای دور شده و پناهیجویان مختلف را به عنوان تبهکار و جنایتکار در اردوگاه‌ها و زندان‌ها تحقیر و سرکوب می‌کند. این تصویر عریان سرمایه‌داری است. طبقه‌ای در اوج رفاه و سود و میلیون‌ها انسان رانده‌شده، بی‌پناه و قربانی.

در سخنرانی خود، ترامپ پناهیجویان را "تبهکار و جنایتکار" نامید، اخراج دسته‌جمعی را تجویز کرد و حتی از دیکتاتور السالوادور قدردانی کرد که حاضر است انسان‌های رانده‌شده را در زندان‌هایش جا دهد. این فقط مهاجرت‌ستیزی نیست، این صدای فاشیسم است که به دولت‌های اروپایی راهکار می‌دهد که مرزها را ببندد، پناهجو را مجرم جلوه دهد و زندان‌ها را پر کند.

ترامپ سازمان ملل را به دلیل دادن غذا، کارت بانکی و سرپناه به پناهیجویان "مشکل‌ساز" و یک مشکل اصلی نامید و با ادبیات سخیف و مضمون‌کننده گفت باید این روند یعنی حمایت از پناهیجویان باید متوقف شود. او با وقاحت آمارهایی دروغین ردیف کرده و گفت در آلمان چند درصد بزرگ زندانیان را خارجی و مهاجر غیرقانونی و پناهجو تشکیل می‌دهند، در استرالیا ۵۳ درصد زندان‌ها را پناهیجویان پر کرده‌اند، در یونان ۵۰ درصد و در سوئیس ۷۳ درصد. پناهیجویان در جهانی که از دست دولت‌های فاشیستی و جنایتکار به هر دلیلی گریخته‌اند، نمی‌توانند مانند مفت‌خوران سرمایه و فک و فامیل و همسر ترامپ ملانی با پدر بزرگ ترامپ به آمریکا قانونی سفر کنند. این همان دروغ‌های تکراری احزاب نژادپرست اروپاست که حالا از بلندگویی رهبر بزرگشان در آمریکا تکرار می‌شود، پروپاگاندایی برای شیطان‌سازی از مهاجرین، به‌ویژه مردم منتسب به مسلمانان، خاورمیانه‌ای یا به اصطلاح کله سیاه.

گویی سایه‌ای از همان منطق فاشیستی دهه ۱۹۳۰ به صحن مجمع عمومی آمده بود. هرچند روش هیتلر و ترامپ متفاوت است، اما ریشه‌ها یکی است. مسئول نشان دادن گروه‌های مشخص انسانی برای بحران‌ها و فلاکت جامعه، مشروعیت دادن به نفرت و سرکوب، و تبدیل "دیگری" به تهدید. پیش‌تر یهودیان و کمونیست‌ها هدف قرار می‌گرفتند، امروز پناهیجویان خاورمیانه‌ای و مردم منتسب به مسلمان محور اصلی حمله شده‌اند و این رویکرد برای اروپا نیز نسخه‌پیچی می‌شود. ترامپ از جایگاه یک قدرت بورژوازی جهانی و با توجیه امنیت و فرهنگ، این منطق را به سطح بین‌المللی گسترش می‌دهد. احتمالاً ترامپ یادش رفت بود که به چپ و کمونیست‌ها حمله کند، هرچند که هر روزه چنین حملاتی را در دستور خود دارد و شاهد مک کارتیسم در آمریکا هستیم. ترامپ حتی لندن را مثال زد و مدعی شد که با حضور شهردار مسلمان "می‌خواهند شریعه را پیاده کنند". وقتی ترامپ می‌گوید "هر کشور بافت خود را دارد" و مهاجرین با دین‌ها و فرهنگ‌های مختلف این "بافت" را از بین برده‌اند، این عین فاشیسم است: نفی تنوع انسانی و اعلام جنگ به هر غیرخودی.



در باب فلسطین، ترامپ در حالی که از دو سال نسل‌کشی مستمر و کشتار کودکان در غزه چیزی نگفت، با بی‌شرمی تمام "بهرسمیت شناختن فلسطین را پاداش دادن به حماس" دانست. این در حالی است که به رسمیت شناختن کشور مستقل فلسطینی در جهان شاید روزنه کوچک امیدی برای مردم تحت اشغال و کشتار چند دهه ای در فلسطین برای رهایی از وضعیت کنونی باشد. این جنگ نیست، این نسل‌کشی است و ترامپ و دولت‌ش با سیاست هایشان در آن شریک هستند.

ترامپ وقتی از "حفاظت از کودکان" سخن گفت، مضحکه به اوج رسید. ترامپ بارها در کنار اپستین همراه با دختران زیر سن قانونی دیده شده و عکس‌های او چندی پیش افشا شد، حتی ادعا می‌شود نام ترامپ در پرونده اپستین (شبهه سوءاستفاده جنسی از دختران زیر سن قانونی) آمده است. کسی که نامش در چنین پرونده‌های کثیفی آمده و در دوره اول ریاست جمهوری‌اش بخاطر سوءاستفاده جنسی از هنرپیشه فیلم‌های پورنوگرافی به دادگاه کشیده شده، امروز خودش را ناجی کودکان جا می‌زند! این همان دوگانگی و ریاکاری سرمایه‌داری و امپریالیسم است.

ترامپ، این فاشیست قرن بیست یکم، نسخه آشکار اجرایی فاشیسم را به جهان داد: اخراج پناهیجویان، زندان‌سازی و مشروعیت بخشی به نسل‌کشان و دول جنایتکاران. صدای او صدای امپریالیسم در بحران است، سیستمی که برای بقا باید به فاشیسم، نژادپرستی و مهاجرت‌ستیزی متوسل شود.

اما حقیقت این است که پناهیجویان قربانیان واقعی‌اند، قربانی جنگ‌ها، فقر و ویرانی‌ای که همین نظام آفریده است. پاسخ واقعی نه در بستن مرزها و داغ و درفش، که در دفاع بی‌قید و شرط از حق پناهندگی و اتحاد بین‌المللی چپ، کمونیسم و طبقه کارگر تمامی جوامع برای برچیدن این نظم و وارونه سرمایه‌داری است.

اما به عنوان چپ و کمونیست، بعنوان بخشی از بی‌حقوق‌ترین جامعه مهاجر طبقه کارگر، وظیفه داریم تا در برابر چنین حمله فاشیسم سیاست‌های دیگری سازی و نژادپرستانه متحدانه عمل کنیم. اگر نمی‌خواهیم پس از گذشت حدود یک قرن دوباره شاهد عروج فاشیسم در اروپا و جهان نباشیم باید به صورت جدی علیه فاشیسم آشکار ترامپ و شرکای اروپایی‌اش به میدان آییم و دست به اقدامات جدی بزنیم.

۲۵ سپتامبر ۲۰۲۵

منصور حکمت را بخوانید

و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>www.hekmat.com

اعدام قتل عمد دولتی است!

عسگری از طرف سازمان سراسری پناهندگان ایرانی و رفیق محمد عذیری پیام شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان، را قرائت نمود و نمایندگان سایر احزاب نیز سخنانی ایراد نمودند.



گزارش تجمعات خارج کشور

در گرامیداشت سومین سال خیزش انقلابی ۱۴۰۱

بعد از قتل عمد دولتی مهسا (ژینا) امینی

لندن:

بنا به فراخوان "کارزار علیه اعدام - لندن" و حمایت سازمانهای چپ و کمونیست بمناسبت سومین سالگرد خیزش انقلابی بعد از قتل عمد دولتی در میدان ترافالگار لندن جمع زیادی از فعالین سیاسی و مخالفین اعدام تجمع کردند که جریات برنامه توسط رفقا صحرا بهار و فرانک حیدری از فعالین کارزار اعلام و برنامه با سرود و سخنرانی و سردادن شعار به زبانهای فارسی و انگلیسی پیش رفت. در این مراسم که شامل تریبون آزاد بود، جمع زیادی سخنرانی کردند از جمله بیانیه‌های خود کارزار بمناسبت سومین سالگرد به زبانهای فارسی و انگلیسی توسط رفقا صحرا بهار و فرانک حیدری قرائت شد و بدنبال سخنرانی افراد و سازمانها و احزاب آغاز شد. مرسته قاندى، محمد هوشی، حسن رحیمی، سعید آرمان، الماس فرضی، حسن آنارکو و غیره از زمره سخنرانان این میتینگ بودند که به اهمیت خیزش انقلابی زن، زندگی، آزادی و تحول بزرگ و نویدبخش در جنبش برابری طلبی زنان ایران، اشاره شد.

استکهلم:

به فراخوان شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران - استکهلم، شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در استکهلم و همچنین شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان در روز شنبه بیستم سپتامبر تجمعی در میدان "مدبوریلا پلاتسن" تجمع کرده و با سردادن شعار علیه رژیم اسلامی و در حمایت از خیزش انقلابی ۱۴۰۱ و توقف اعدامها و دفاع از زندانیان سیاسی و قرائت بیانیه‌های شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران - استکهلم آغاز و در ادامه اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست بمناسبت سومین سالگرد خیزش انقلابی ۱۴۰۱ از طرف رفیق آزاده برزاده آقاجری قرائت شد و پیام شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان توسط رفیق محمد ولدی قرائت شد.

گنتبرگ سوئد:

روز شنبه ۱۳ سپتامبر در شهر گنتبرگ سوئد تجمعی در گرامیداشت سومین سالگرد خیزش انقلابی از جانب حزب حکمتیست و سایر نهادها و احزاب در "برنز پارک" مرکز شهر برگزار شد. در این تجمع رفقا پروین کابلی، کریم نوری از اعضای کمیته مرکزی حزب حکمتیست به زبان سوئدی سخنرانی کردند و متعاقب آن نماینده احزاب و سازمانهای دیگر نیز به همین مناسبت سخنانی ایراد نمودند. در این تجمع ضمن سخنرانی، شعارهایی علیه جمهوری اسلامی و در حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران و در دفاع از زندانیان سیاسی و علیه احکام شنیع اعدام سر داده شد.

کلن - آلمان:

در کلن آلمان به فراخوان احزاب چپ و کمونیست، شورای حمایت از مبارزات مردم در ایران - کلن، شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان و همچنین سازمان سراسری پناهندگان ایرانی در روز شنبه ۱۳ سپتامبر تجمعی در گرامیداشت خیزش انقلابی ۱۴۰۱ در میدان مرکزی شهر کلن سازمان داده شد که در این جمع ضمن شعارهایی علیه رژیم اسلامی و علیه احکام اعدام و همچنین در دفاع از زندانیان سیاسی سر داده شد.

در این تجمع نمایندگان احزاب و سازمانها سخنرانی کردند. از جمله رفیق صالح سرداری از جانب حزب حکمتیست و همچنین رفیق امیر

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!

اخبار مبارزات کارگری و جنبشهای اجتماعی

تهیه و تنظیم حیات الماسی و اوین رضایی

اعتراضات گروه ملی فولاد اهواز

از روز شنبه ۲۲ شهریور ۱۴۰۴ گروه ملی فولاد دست به موج جدید اعتراضات زده است. این اعتراضات تا روز چهارشنبه ادامه داشت. کارگران روز چهارشنبه ۲۶ شهریور ۱۴۰۴ در سطح شهر اهواز راهپیمایی کردند. با انتصاب مدیر عامل و قول رسیدگی به درخواستها، مدت کوتاهی این اعتراضات متوقف شد، اما مجدداً روز دوشنبه ۳۱ شهریور اعتراضات دوباره از سر گرفته شده و کماکان ادامه دارد.

بخشی از خواستههای کارگران گروه ملی عبارتند از؛ پرداخت حقوق و مزایای معوقه، تامین بیمه تکمیلی مناسب، عدم تاخیر در واریز بیمه ها، بهبود وضعیت قراردادهای کاری، راه اندازی فوری خطوط تولید و شفافیت وضعیت اداره شرکت. پس از قول های غیر مستقیم مدیریت شرکت، مدیر عامل جدید حتی حاضر به گفتگو با کارگران نشده و هیچ برنامه مشخصی برای مجتمع ارائه نداده است؛ موضوعی که امنیت شغلی و بقای شرکتی که در حال فروپاشی است، را تهدید میکند.

محاکمه و دادگاهی ۵ کارگر معترض شرکت آلومینیوم اراک

در پی تهدیدات نهادهای فاسد قضایی برای محاکمه و دادگاهی ۵ کارگر معترض شرکت آلومینیوم اراک (ایرالکو)، کارگران اعلام کرده اند در صورت برگزاری دادگاه دست به اعتراض و تحصن خواهند زد. در پی حضور فرماندار اراک و هیات مدیره شرکت ایرالکو در کارخانه و وعده هایی که منجر به پایان اعتصاب غذای کارگران شد، نه تنها با گذشت حدود ده روز از پایان اعتصاب غذا، هیچیک از وعده های داده شده محقق نشده است بلکه مدیریت شرکت و نهادهای قضایی در شهر اراک در صدد برگزاری دادگاه و محاکمه پنج کارگر معترض این شرکت به نامهای محمد نجاتی، بهمن مرادیگی، وحید خورشیدی، ناصر سهرابی و علی اکبر صابری هستند.

این بیدادگاه ضد کارگری که قرار است در روزهای نهم و پانزدهم مهر ماه برگزار شود، خشم کارگران را برانگیخته و از هم اکنون با قاطعیت اعلام کرده اند چنانچه تا زمان برگزاری دادگاه، این محاکمه لغو نشود دست به اعتراض و تحصن خواهند زد.

تجمع اعتراضی کارکنان فاز ۱۴ پارس جنوبی، اخراج گسترده نیروهای بومی و اعتصاب سراسری!

همزمان با تحویل رسمی فاز ۱۴ پارس جنوبی به شرکت بهره بردار SPGC در شهرستان کنگان، موج شدیدی از اخراج نیروها در شرکت پیمانکار پروژه رخ داد. علاوه بر اخراج ناگهانی، مطالبات حقوقی چهار ماه گذشته آنها نیز پرداخت نشده است. کارگران میگویند چهار ماه است حقوق و مطالباتشان پرداخت نشده و همین مسئله علاوه بر تشدید مشکلات معیشتی غیرقابل تحمل، تأثیرات مخربی نیز در آستانه بازگشایی مدارس برای ثبت نام و تحصیل فرزندانشان گذاشته است.

اعتراض پرسنل بیمارستان شریعتی کرج به کسر غیرقانونی از حقوق پرسنل بیمارستان شریعتی کرج بار دیگر نسبت به کسر غیرقانونی از حقوق و اضافه کار اعتراض کردند.

مدیریت این مرکز درمانی ماههاست دست به چپاول حقوق کارمندان زده است. در تازهترین اقدام، از حقوق هر پرسنل حدود دو میلیون تومان کسر شده و علاوه بر آن، ۵۰ درصد از پرداختی اضافه کاری پرسنل بیمارستان تحت عنوان «مالیات» بالا کشیده شده است.

اعتراض کارکنان عملیاتی جزیره سیری

سهشنبه ۱ مهر ۱۴۰۴، کارکنان عملیاتی شرکت نفت فلات قاره در منطقه سیری بار دیگر دست به تجمع اعتراضی زدند. این تجمع در کمپ مسکونی جزیره برگزار شد و در ادامه سلسله تحصن های پیاپی ماه های اخیر میباشد. کارکنان معترض خواسته های روشن و صریح خود را اعلام کردند:

پرداخت کامل حقوق معوقه و حق همکاران، حذف محدودیت های بازنشستگی، اصلاح کف حقوق نیروهای تازه استخدام، برگرداندن مالیات های غیرقانونی، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت همه مطالبات بک پی، استقلال صندوق بازنشستگی.

تجمع اعتراضی کارکنان پویا نخ

بنا بر گزارشهای منتشره در شبکه های اجتماعی، امروز جمعی از کارکنان شرکت پویا نخ در اقدامی اعتراضی و پر قدرت مقابل ورودی استانداری ایلام تجمع کردند. این تجمع به حدی بود که درب ورودی استانداری مسدود شد و تردد کارکنان و مراجعه کنندگان به طور کامل مختل گردید. اعتراض کنندگان با فریاد خواهان پاسخگویی مسئولان شدند. این چندمین تجمع اعتراضی کارگران پویا نخ در سال جاری در مقابل استانداری ایلام است.

انفجار تانکر در شهرک صنعتی مریوان یک کشته و یک مصدوم بر جای گذاشت

رضوانی مدیر عامل سازمان آتش نشانی مریوان با اعلام این خبر ناگوار افزود، با توجه به هشدار سازمان آتش نشانی در مورد رعایت نکات ایمنی در حین کار متاسفانه باز هم شاهد حوادث ناگوار هستیم.

تجمعات اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی

بازنشستگان تامین اجتماعی، مقابل فرمانداری شهرستان شوش روز ۳۰ شهریور در اعتراض به فقر و نداری، گرانی و تورم، دستمزد های ناچیز و همزمان فساد، دزدی و چپاول، فضای سرکوب، نبود امنیت و آسایش از جمله موارد اعتراضی این تجمع بود. فریاد اعتراض بازنشستگان به نابرابری، ظلم و ستم، تبعیض و استثمار برای چند ساعت فضای فرمانداری را پر کرد. آنان با شعار نابود باد بندگی، زنده باد زندگی به تجمع خود پایان دادند!

تجمع خانواده های ساکن شهرک نفت جم در اعتراض به مشکلات اقتصادی و شهریه های نجومی مدارس غیرانتفاعی شهرک و بی تفاوتی مدیران شهرک و روسای آموزش و پرورش جم به این مطالبه مطالبه اصلی تجمع کنندگان:

۱- شفاف سازی شهریه مدارس غیرانتفاعی داخل شهرک نفت با توجه به اینکه مکان مدرسه و امکانات به صورت رایگان در اختیار این مدارس قرار می گیرد و توقع این وجود دارد شهریه مدارس داخل شهرک نسبت به مدارس بیرون مبلغ کمتری باشد.

۲- افزایش ظرفیت مدارس دولتی
۳- پرداخت ۶۰ درصد شهریه مدارس توسط سازمان، همانند سال های قبل با توجه به کمبود مدارس دولتی و اجبار به ثبت نام در مدارس غیر انتفاعی.

اعتراض خانواده زندانیان سیاسی محکوم به اعدام

روز سه شنبه اول مهر ۱۴۰۴ جمعی از خانواده های زندانیان سیاسی محکوم به اعدام در هشتاد و هفتمین کارزار سه شنبه های نه به اعدام، با در دست گرفتن پلاکاردهایی، خواهان لغو حکم اعدام عزیزان خود و لغو این حکم قرون وسطایی و ضد انسانی از مجازاتهای قضایی و آزادی زندانیان سیاسی شدند.

اعدام قتل عمد دولتی است!

غزه در خون می‌سوزد مردم جهان بپا خاسته‌اند، اما دولت‌ها حامی اشغالگران جنایتکارند!

قریب هشتاد سال است که اشغالگری، ستمی مستمر و انکار وجودی بر مردم فلسطین روا داشته‌اند. هر روز خانه و مدرسه و بیمارستانی با بمب فرو می‌ریزند، کودکان بی‌گناه جان می‌دهند، ویرانی بی‌وقفه ادامه دارد.

امروز از غزه جز خرابه‌ای نمانده، کودکانی که از گرسنگی جان می‌دهند، حتی در صف نان، خونشان ریخته می‌شود. این صحنه‌های فجیع، هر انسان آزاده‌ای را از زندگی سیر می‌کند.

ما می‌گوییم:

✗ نه به اشغال و آپارتاید. ✗ نه به کشتار غیرنظامیان.

✗ مسئله فلسطین راه‌حل نظامی ندارد.

✗ صلح پایدار تنها با نفی افراط‌گرایی دو طرف و عروج نیروهاییکه خواهان همزیستی‌اند، ممکن است.

ما با مردمیم، نه با دولت‌ها، با بازماندگان، نه با ارتش‌ها، با فلسطین آزاد، انسانی و امن.

صلح بدون آزادی دروغ است، آزادی بدون برابری ناتمام، و کرامت حق همه انسان‌هاست.

#نه_به_اسلام_سیاسی

#آزادی_برای_فلسطین

#آزادی_امنیت_برابری

#پایان_اشغال



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۳۱ تیر ۱۴۰۴ - ۲۲ جولای ۲۰۲۵

ما یکدیگر را تنها نمی‌گذاریم! از غزه تا کابل، ما با هم ایستاده‌ایم!

وقتی مردم فلسطین، زیر بمباران بی‌وقفه زندگی‌شان را از دست می‌دهند، وقتی مهاجران افغانستانی در کوچه‌های همین شهرها، تحقیر، اخراج یا بی‌هویت می‌شوند، ما نمی‌توانیم خاموش بمانیم. این فقط رنج آن‌ها نیست، تعرضی به همه و یک آزمایش انسانیت و عمل هاست.

ما علیه فاشیسم و پاکسازی قومی ایستاده‌ایم

نه از سر ترحم، بلکه از سر آگاهی، خشم و پیوند انسانی. علیه اشغالگران و آدمکشان، علیه ستمگران و نژادپرستان.

برای:

پایان اشغالگری و قتل‌عام در فلسطین
پایان اخراج، تحقیر و سلب حقوق از شهروندان افغانستانی در ایران
حق برابر برای همه انسان‌ها، بدون تبعیض.

این فقط فریاد نیست، این دعوتی است به ایستادگی، به همبستگی، به مبارزه‌ای مشترک،

ما یک صدا داریم. و آن صدا، آزادمشی و انسانیت در حال برخاستن است. ما می‌گوئیم سکوت و بی‌عملی، همدستی با ستم است.

راهی هست، و آن راه، از برخاستن علیه وضع موجود آغاز می‌شود!



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۳۱ تیر ۱۴۰۴ - ۲۲ جولای ۲۰۲۵

برابری بی‌قید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!

آدرسهای تماس با حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر اجرایی

سعید یگانه

saidyegane@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

سعید آرمان

saeed_arman2002@yahoo.co.uk

دبیر کمیته تبلیغ

سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

هیئت تحریریه نشریه کمونیست:

سیاوش دانشور، ملکه عزتی، سیوان کریمی، پروین کابلی، رحمان حسین زاده، هلاله طاهری، ناصر مرادی



تلویزیون پرتو
رسانه تصویری حزب حکمتیست
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،
سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :
هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰
تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در
کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه
و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سرمدیراین شماره سعید یگانه

saidyegane@gmail.com

همکار سردبیر وریا روشنفکر

voryaroushanfekr@gmail.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی کمونیست

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست
کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال
آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به کارگران و
دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv>

زنده باد سوسیالیسم!